

روزنه

اردوغان؛ اندک از دموکراسی و فراوان از آزادی

ژیلا احمدی - کارشناس ارشد روابط بین الملل

● استیفن کینز؛ گزارشگر و نویسنده نیویورک تایمز؛ اردوغان تعصبی آتشین نسبت به اقتدار خود دارد و خود و نه حزب یا دولتش را، تنها نیروی محرک ترکیه امروز می‌داند. (Kinzer,2004: 42)

شخصیت محوری یکی از ویژگی‌های برجسته در فرهنگ سیاسی ترکیه است، به‌گونه‌ای که گاه اهمیت رهبران سیاسی فراتر از ایدئولوژی‌ها و برنامه‌های حزبی یا گاه به‌طورکلی فراتر از احزاب قرار می‌گیرد. اردوغان یکی از این شخصیت‌ها با هویتی دوباره، هویتی اسلامی و سیاسی گریزنایدیر برای بقا در دولت، نقشی است که در آن هم حامیان اسلامی سنی و هم نقش درخور مخاطبان داخلی را بازی می‌کند، وی مجموعه‌ای از تضادهاست، پوپولیست اما قدرت‌طلب، هوادار آزادی و وابسته به جامعه دینی، بهتر است بگوییم مردم ترکیه در هویت متعارض اردوغان نمودی از شان سیاسی خود را می‌توانند ببینند. اردوغان درعین‌حال که همواره اسلام را منشأ هویت نظام اجتماعی ترکیه می‌داند علاوه‌برآن راه و رسم بهره‌برداری از سکولاریسم و اصول دموکراسی را می‌داند.

در بررسی شخصیت و دیدگاه سیاسی رجب طیب اردوغان یا بش‌چپ مؤلفه مهم تأثیر بسزایی داشته‌اند. این چهار مورد عبارتند از:

۱- محله کاظم‌پاشا
۲- نظام مدارس محافظه‌کار دینی امام خطیب
۳- اتحادیه دانشجویی قومی - دینی MTTB
۴- جنبش دیدگاه ملی ارپکان
هریک از این موارد پهنه‌ویی در شکل‌دهی شخصیت سیاسی و جهان‌بینی اردوغان نقش داشته و در اتخاذ سیاست‌های داخلی و خارجی وی بازتاب مشهودی دارد. برای نمونه برای فهم فضای سیاسی حاکم بر کوچه و خیابان ترکیه، وجود دو اصطلاح کابادیه (هویتی برخوردار از شهرت، احترام، عزت، مدافع افراد ضعیف و فقیر و در زبان فارسی جوامرند) و ماقدرو (مظلوم) برای مطرح‌شدن یک شخصیت سیاسی و محبوبیت آن بسیار تأثیرگذار است. تعابیر کابادیه و ماقدرو امکان شناخت نقش نهاد و سازمان‌ها و حافظه اجتماعی ترکیه را تا حدودی فراهم می‌کند. ویژگی‌هایی که اردوغان با زندگی در محله کاظم‌پاشا، مکانی که شخصیت وی برای اولین‌بار در آنجا که یکی از محله‌های فقیرنشین است شکل گرفته و با افتادن وی به زندان به‌عنوان یک ماقدرو یا همان مظلوم بر محبوبیت خود در میان مردم افزود و با بهره‌مندی از این دو مورد با محبوبیت بسیار پا به عرصه سیاست گذاشت.

اما این روند ادامه پیدا نکرد و بر واد وی به عرصه سیاست و چرخش در سیاست‌های خود از اسلام به سکولاریسم، کم‌کم نارضایتی افراد نسبت به سیاست‌های وی افزایش یافت. اردوغان شخصیتی است که اندک از دموکراسی و فراوان از آزادی می‌گوید. البته آزادی و دموکراسی که خود به آن معنا می‌بخشد. آزادی و دموکراسی که در آن به وی اجازه تصمیم‌گیری و قدرتی فراتر از حزب و منطق با خواسته‌های شخصی وی را می‌دهد. دراین‌میان اردوغان افراد وفادار به خود را همواره بر آگاهی حزبی ترجیح داده و خود را در میان افرادی محصور کرده است که تابع دستورات وی باشند و در صورت اطاعت‌نکردن، به هر ترفندی آنها را کنار می‌گذارد. این مسئله موجب حضور مشاوران نه‌چندان قوی در کنار وی شده است. شاید بتوان سناریوی کودتای ساختگی رجب طیب اردوغان را نیز در این راستا معنا بخشید. البته شاید وی به طن خود با این کار توانسته باشد مخالفان خود را از میدان بدر کند، اما این مسئله برای مدت کوتاهی می‌تواند تأثیرگذار بوده و بدون‌تردید در بلندمدت شرایط داخلی برای وی دشوارتر خواهد شد، به‌طوری‌که ترکیه امروز می‌تواند آستان حوادث بزرگی در آینده باشد.

چرخش عقیدتی و تضاد نه‌تنها در شخصیت و سیاست‌های داخلی اردوغان و حزب عدالت و توسعه نمایان است بلکه در سیاست خارجی این کشور نیز مشاهده می‌شود، این مسئله بازتابی از دگردیسی در کل جامعه ترکیه امروزی است. اردوغان با ایجاد تنش با برخی از نهادهای خودمختار حکومتی ناکامی‌های خود را بیشتر به خارج فرافکنی کرده است. در این راستا شرایط ناآرام منطقه نیز توانسته است تا حدودی به وی کمک کند؛ اما مشکلات خارجی به دنبال خود مشکلات داخلی بسیاری به همراه داشته است. شرایطی که اردوغان به‌راحتی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. وی در سیاست خارجی دچار نوعی تضاد و برخورد متعارض با دشمنان و دوستان دیرینه خود شده است؛ به‌طوری‌که وی سیاست‌های راهبردی ترکیه را که در سوادی پیوستن به اتحادیه اروپا نیم قرن تلاش کرده است، نادیده گرفته و به دنبال متحدانی مانند روسیه و نقش‌آفرینی در سوریه است. البته به نظر می‌رسد با وجود تمام این تضادها و برخوردهای دوگانه در سیاست خارجی، ترکیه دوباره این قطار به مسیر خارج‌شده سیاست خارجی خود را به مسیر حرکت قبلی خود به سمت اتحادیه اروپا روانه کند؛ اما آنچه مهم است، خسارات ناشی از تأخیر قطار منتهی به اتحادیه اروپاست که ممکن است مدت زمان زیادی ترکیه را با مشکلات بسیار جدی مواجه‌کند.

شرق، مهسا جزینی؛ ته دلشان راضی به آمدن یک زن نیست، اما دوراندیشی به آنها می‌گوید شاید روزی ناچار شوند تن به یک نامزد زن بدهند؛ برای همین برخی‌شان ترجیح می‌دهند فعلا نه ایجابی صحبت کنند نه سلبی. چهره‌های شناخته‌شده‌شان سابقه ناکامی دارند و چهره‌های ناشناخته‌شان رأی‌آور نیستند. اصولگرایان اگر واقعا برای بردن در ۹۶ و شکست قطعی روحانی آمده باشند، احتمالا چاره‌ای جز این ندارند که ناجی‌شان یک زن باشد و آن زن کسی نیست به جز مرضیه وحید دستجردی، پزشک متخصص زنان، نماینده سابق مجلس، وزیر بهداشت برکنار‌شده احمدی‌نژاد و سخنگوی «جبهه مردمی نیروهای انقلاب»؛ جبهه نوظهوری که یکباره چند ماه مانده به انتخابات در اردوگاه اصولگرایی سبز شده است و احزاب و جریان‌ها و جبهه‌های قدیمی‌تر یک‌پیک در حال پیوستن یا اعلام حمایت از آن هستند. با توجه به اینکه اجماع بر سر

گزینه «زن» با روح حاکم بر لایه‌های مختلف قنتمان جریان اصولگرایی، مصداق دقیق اجتماع نقیضین است، این احتمال بیشتر است که اصولگرایان وزیر اسبق بهداشت را در این ماه‌های منتهی به انتخابات در وترین تبلیغاتی خود قرار بدهند. اما گزینه اصلی خود را نزدیک انتخابات ترک کنند.

برای اینکه نگاه به یک نامزد زن و وزن مرضیه وحید دستجردی را در جریان اصولگرایی بسنجیم، سه‌شنبه با نبی حبیبی، دبیرکل حزب مؤتلفه، مصباحی‌مقدم، سخنگوی جامعه روحانیت مبارز، امیر محبیان، دبیرکل حزب نواندیشان ایران و تحلیلگر سیاسی و روزنامه‌نگار، احمد توکلی، نماینده سابق مجلس و حسین انواری، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه تماس گرفتیم و نظر آنها را درباره توافق روی یک نامزد زن جویا شدیم. نظر محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین و رئیس جبهه پیروان خط امام و رهبری را هم پیش از این در حاشیه یک نشست خبری پرسیده بودیم. پاسخ‌هایی را که به «شرق» داده شد در ادامه آورده‌ایم.
پاسخ‌هایی که فقط نامشان آورده شده، بدون اینکه گفته‌ای از آنها منتشر شود، تمایلی به صحبت در این زمینه نداشتند.

زن ر جل سیاسی نیست

محمدرضا باهنر: من با تفسیر شورای نگهبان از ر جل سیاسی موافق هستم. از نظر من زن ر جل سیاسی

قریب به صفر است

امیر محبیان: بدون قضاوت ارزشی درباره درست یا غلط بودن آن، با توجه به واقعیت‌های جامعه، اینکه یک زن بدل به نامزد اصولگرایان شود، از نظر من احتمالی بسیار کم و قریب به صفر است. از نگاه من هنوز جامعه با یعنی رای‌دهندگان با این تصمیم که رئیس‌جمهور زن داشته باشیم نرسیده‌اند. در ضمن ما با تفسیر شورای نگهبان هم از ر جل سیاسی روبه‌رو هستیم.

شرق: اگر شورای نگهبان در تفسیر جدید خود زنان را مصداق ر جل سیاسی بداند چطور؟
امیر محبیان: با اگر‌ها و مفروضاتی که نزدیک به صفر باشد، نمی‌شود تحلیل کرد. با توجه به شرایط اجتماعی، پذیرش این موضوع وجود ندارد.

روی جنسیت بحث نشده

نبی حبیبی: الان درحال حاضر در مذاکراتی که بین اصولگرایان در جریان است، روی هیچ شخص خاصی بحث نشده است. نه روی جنسیت نه روی شخص هیچ بحثی نشده است. من چون از طرف همه نمی‌توانم صحبت کنم، پس اظهارم ملاک خبرجمععی اصولگرایان نخواهد بود.

شرق: می‌خواهیم نظر شخص شما را به عنوان دبیرکل حزب

مؤتلفه بدانیم.

نبی حبیبی: درباره این قضیه نظر من مطابق نظر نهایی شورای نگهبان است و اصولگرایان هم مطابق آن عمل خواهند کرد. اگر شورای نگهبان به این نتیجه برسد که تفسیرش از ر جل سیاسی زنان را هم شامل می‌شود ما هم در داخل مؤتلفه، به آن خواهیم پرداخت، اما تاکنون بحثی نداشته‌ایم. دخل و تصرف در قانون نمی‌کنیم. پاسخ دیگری نداریم الان فعلا کاری نکردیم. برای مافرقی ندار هرکسی این سسنولیت را بتواند برعهده بگیرد. برای ما جنسیت مسئله نیست.

زن مجاز نیست زمام حکومت به دست گیرد

انواری، عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه: من چندی قبل مقاله‌ای در روزنامه رسالت منتشر کردم، شما را به همان ارجاع می‌دهم. «... زن در جامعه اسلامی مجاز نیست زمام حکومت و ولایت امر را به دست گیرد. ولایت دنباله همان امامت است که ولی مسلمین باید مرد باشد. همچنان‌که حضرت فاطمه زهرا (س) با همه آن عظمت «امام» نبود. زن می‌تواند در کسب علم و تقوا به سطح اجتهاد برسد و مرجع تقلید تربیت کند، ولی خودش نمی‌تواند مرجع تقلید شود، الا برای زنان. مرجعیت یک امامت است، ولی قهاقت ملک انسان است. واگذاری امور اجرایی ویژه زنان به عهده زنان هم جایز است و هم اولی است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پس از مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد که قاعداً زنان نمی‌توانند به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شوند. زنان مجاز نیستند به

سیاست

مرضیه وحیددستجردی، گزینه احتمالی اصولگرایان برای انتخابات ریاست جمهوری

این بار پای یک زن در میان است



نگار: محمدحسین

مسند قضاوت و حکم تکیه کنند. زنان می‌توانند قاضی محکمه تربیت کنند و مقام مشاورت دادگاه را داشته باشند، ولی نمی‌توانند قاضی محکمه باشند که سمتی اجرایی است. زنان مجاز به شرکت مستقیم در جهاد و قتال نیستند، ولی می‌توانند در امر پشتیبانی جهاد مشارکت داشته باشند. در اموری که منع اسلامی وجود ندارد، حضور و مشارکت زنان در همه سطوح بلامانع است. در انتخاب اصلح برای هر امری ضروری است که در کنار مردان دیده شوند. برای حضور زنان در کارهای مشورتی مانند نمایندگی مجلس شورای اسلامی، آموزشی و تربیتی، امور تحقیقاتی و عهده‌دارشدن مسئولیت کارهای اجرایی ویژه زنان، مانند پزشکی راه باز است و بعضه هم ضرورت دارد. متأسفانه کسانی که با مبانی اسلام از لحاظ شناختی فاصله دارند، تصدی امور اجرایی زنان برایشان خیلی مهم جلوه می‌کند و به عنوان یک نقد سیاسی یا علمی با اعتراض و معاوضه، به‌شدت پیگیر آن‌اند که چرا زن نمی‌تواند فلان کار اجرایی را به عهده داشته باشد. این نکته قابل دقت است که امور و کارهای اجرایی یک امامت است که مایه فخر و مباهات نیست. آنچه برای زنان ضروری است و اولویت دارد ایفای وظایف اصلی است که برای آنها مشخص شده است.

زنان اصولگرایشت مرضیه‌خاتم!

فعلا جدی‌ترین حامیان مرضیه وحیددستجردی، خود زنان اصولگرایند؛ چه مانند دبیرکل جامعه زینب که مشخصاً از او حمایت کرده است، چه دیگری که برخلاف همتایان مرد خود، قائل به تفسیری دیگر از عبارت «ر جل سیاسی»‌اند، دیروز اعظم حاجی‌عباسی، دبیرکل جامعه زینب، با بیان اینکه «گزینه ما در جامعه زینب و احزاب زنان اصولگرا برای انتخابات ریاست‌جمهوری آینده، خانم مرضیه وحیددستجردی، به دلیل توانمندی‌های ایشان است»، به ایسنا گفت: «ما با خود خانم دستجردی دراین‌باره صحبت کرده‌ایم و ایشان هنوز جواب خاصی به ما نداده‌اند، ولی ما نسبت به این موضوع اصرار داریم».

حاجی‌عباسی همچنین از نهایی‌شدن فهرست ۱۰نفره این ارتک و احزاب زنان اصولگرا برای انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا خبر داده و گفته است: «معصومه رضایی‌نظری، طاهره رحیمی، معصومه

زعفرانی‌بهرروز، مریم عربی،

خدیجه ناطق، مریم‌السادات

شریف، مریم محمودزاده،

جویانی، تهران ولی‌مرد و خدوم

(اعظم حاجی‌عباسی) در این

فهرست ۱۰ نفره حضور داریم».

فاطمه آجرلو، نماینده

اصولگرایی سابق مجلس، هم

اخیرا در میزگرد با آذر منصوری

در خبرنایین گفته است: «در

اصولگرایی، به نظرم سد جناحی

وجود ندارد. چون در وزارت این

را ثابت کردیم که سدی وجود

ندارد... ما در مجلس وقتی به بحثی می‌رسیدیم

که در حوزه زنان باید این اتفاق بیفتد، همه منسجم

می‌شدیم و باید این اتفاق می‌افتاد... الان اگر تفسیر

ر جل سیاسی را از مجاری قانونی خودش داشته باشیم

که بدانیم زنانی که حائز این شرایط سیاسی هستند، ما

که نمی‌خواهیم بازی سیاسی کنیم و شعار دهیم و

در جامعه موج ایجاد کنیم، جامعه ما به اندازه کافی

موج‌زده هست...».

رفعت بیات، دیگر نماینده سابق اصولگرایی

مجلس، هم پیش از این به «شرق» گفته بود: «من

دوبار نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری دوره نهم و

دهم شدم. صلاحیتم تأیید نشد، اما هیچ‌وقت هم به

من نگفتند خانم‌ها نمی‌توانند نامزد ریاست‌جمهوری

شوند. من نامه‌هایی خدمت آقای جنتی، دبیر محترم

شورای نگهبان، نوشتم. با خود آقای کدخدایی،

سخنگوی شورای نگهبان، جلسه گذاشتم و خدمت

مقام معظم رهبری هم نامه نوشتم. به نظرم بحث

خیلی روشن است و نیازی به کار کارشناسی ندارد. کار

کارشناسی یک‌بار همان زمان مجلس خبرگان قانون

اساسی انجام شده است. خانم گرجی، تنها خانم

حاضر در مجلس خبرگان، بارها دراین‌باره صحبت

کرده‌اند. ایشان توضیح می‌دهند که انتخاب اصطلاح

ر جل سیاسی دقیقاً به این دلیل بوده که کلمه مرد رای

نیامرد، چون مخالف زیاد داشت. خانم گرجی می‌گوید

نظر شهید بهشتی این بود که شاید روزی خانمی،

واجد شرایط ریاست‌جمهوری در کشور شود؛ فردی

که به درد کشور بخورد، پس ما نباید با محدودکردن

قانون، خود را از خدمت او محروم کنیم. ما دو جنس

ادامه از صفحه ۶

آزادی یادگرفتنی است

«ما آزادی بیان، اجازه اجتماع و دخالت معقول قانونی در امور کشور را به عنوان حقن الهی و مقدمه‌ای برای انجام وظیفه دینی، از دولت‌ها مطالبه می‌نمایم و برای پاک‌کردن و پاک‌بودن جامعه است که اصرار داریم آزادی باشد تا هر صاحب‌نظر- و هر شاکی و ناراضی و ضعیف، با مدافعین آنها، بتوانند بدون دغدغه خاطر، حرف خود را بگویند و حق خود را بخواهند». مهندس بازرگان و باران او در طول چند دهه گذشته بخش عمده‌ای از تلاش و تکاپوی خویش را متوجه استبداد- به هر صورت و به هر نام - کرده‌اند؛ زیرا آزادی‌خواهی و استبدادزدایی را دو روی یک سکه می‌دانند. در

غیاب آزادی چیزی جز استبداد، دیکتاتوری یا اختناق و اسارت و هلاکت نخواهد بود. براین پایه مهندس بازرگان می‌گفت: «گرفتن آزادی از انسان بزرگ‌ترین خیانت به سرنوشت او و اهانت به مقام و حیثیت انسان بوده و آدمیزاد را به حیوانیت و بردگی سوق می‌دهد». اگرچه مهندس بازرگان و یاران او به استبداد و مظاهر آن توجه بیشتر داشته و مبارزه با آن را در سطح بالا و مقدم بر مبارزه با استعمار یا استیلا خارجی می‌دانند اما همواره استبداد و استیلا را دو دشمن آزادی و حاکمیت ملی می‌دانند زیرا با تأمین آزادی و حاکمیت ملی (دموکراسی) است که شکست آن دو حاصل می‌شود. حافظ و ضامن

آزادی چیزی جز خود مردم با حاکمیت ملی از طریق انتخابات آزاد و سالم و مراقبت مستمر مردم با انجام فریضه قرآنی امریہ‌معروف و نهی‌ازمنکر نمی‌تواند باشد و در غیراین‌صورت همان‌گونه که مولای متقیان در نهج‌البلاغه فرموده‌اند اشترار بر جامعه مسلط خواهند شد و دعاها مستجاب و خواسته‌ها برآورده نمی‌شود. براساس این اندیشه آزادی و دموکراسی

فرایندی است که مردم باید در آن به‌تدریج با تقویت نهادهای مدنی از-جمله احزاب آن را بیاموزند و رفتار فردی و اجتماعی خود را اصلاح کنند؛ بنابراین دستیابی به آزادی و دموکراسی مستلزم فرایندی است که در آن مردم یاد می‌گیرند. به نظر نگارنده گفتنمان غالب در جامعه امروز ما، به‌ویژه پس از تحولات دهه ۸۰ و تجربه دو انتخابات سال‌های ۹۲ و ۹۴، با وجود طیف دیدگاه‌های اجتماعی همین اندیشه سیاسی شادروان مهندس بازرگان یعنی آزادی‌خواهی و استقرار حاکمیت ملی است تا تحقق عدالت و تأمین استقلال کشور با وفاق و همدلی ملی امکان‌پذیر شود. روحش شاد و راهش پررور باد.



بهش می‌رسه

بهبودی کامل ۵۶۰۰ کودک، فقط حاصل کمک‌های ارزشمند شماست. ۲۵ سال است

متعهد شده‌ایم با کمک‌های شما بهترین خدمات را به تمام کودکان مبتلا به سرطان

ایران برسانیم، تا با همراهی‌تان کودکان بیشتری هر روز به آرزویشان برسند.

شماره کارت:

۰۵۹۰-۰۹۹۵-۹۹۱۱-۰۳۷۶

۰۲۱-۲۳۵۴۰

شماره بازدید از محک:

۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰

از اینکه به کودکان محک توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.



mahak-charity.org